

The Impact of Iran's Permanent Membership in the Shanghai Organization on Its Geopolitical Weight in the Central Asia

Hamid Hakim

Corresponding Author, Assistant Professor, Department of International Relations,
Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Hhakim@atu.ac.ir

Mahboubeh Irannia

Master of Regional Studies, Central Asia and Caucasus, Allameh Tabatabai University,
Tehran, Tehran, Iran. mahbirannia@gmail.com

Abstract

Capacities of the Shanghai Cooperation Organization Considering the membership of two of the five permanent members of the UN Security Council (Russia and China) in this organization, having more than a third of the world's population, considerable size, large capacities and abundant capabilities, promises a potentially strong coalition. Due to the permanent membership of the Islamic Republic of Iran in this organization, it seems that examining the consequences of Iran's membership in this organization in the form of explaining the opportunities and challenges of membership, can Facilitate policy making in foreign policy of Iran about this issue. This study suggests that Iran's permanent membership in this organization can increase Iran's geopolitical weight in the region and bring political, economic and security benefits to Iran. Based on this, first, we study the theoretical explanation of formation and continuation of the Shanghai Cooperation Organization and then while analyzing the reasons for non-membership of the Islamic Republic of Iran to now; the consequences of permanent membership in the current situation in this organization are examined.

Keywords: *Shanghai Cooperation Organization, Islamic Republic of Iran, Permanent Membership, Geopolitical Weight*

تأثیر عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای بر وزن ژئوپلیتیک آن در منطقه آسیای مرکزی

حمید حکیم

نویسنده مسئول، دکترای روابط بین‌الملل، استادیار، هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، تهران،
ایران hhakim@atu.ac.ir

محبوبه ایران نیا

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، تهران،
ایران mahbirannia@gmail.com

چکیده

سازمان همکاری شانگهای سازمانی توانمند با پتانسیل‌های فراوان است که داشتن ویژگی‌هایی همچون وسعت و جمعیت قابل توجه، عضویت دائم دو عضو آن (چین و روسیه) در شورای امنیت سازمان ملل و داشتن قابلیت‌ها و توانمندی‌های فراوان، نشان‌دهنده ظرفیت‌های بالقوه آن بوده است. با توجه به عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان، به‌طور قطع این مهم، پیامدها و آثار قابل توجهی را به همراه خواهد داشت و بر همین اساس بررسی ابعاد عضویت دائم ایران در این سازمان در قالب تبیین فرصت‌ها و چالش‌های عضویت دائم، ضرورت دارد و یافته‌های آن می‌تواند سیاست‌گذاری در ارتباط با مسئله مذکور را در سیاست خارجی ایران تسهیل نماید. پرسش اصلی پژوهش عبارت است از اینکه «عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای چه تأثیری بر وزن ژئوپلیتیک ایران دارد؟» با این فرض که عضویت دائم ایران در این سازمان می‌تواند وزن ژئوپلیتیک ایران را در منطقه افزایش دهد و منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای ایران به همراه داشته باشد. بر این اساس پس از تأمل در دلایل شکل‌گیری و تداوم این سازمان، به بررسی و واکاوی عضویت دائم ایران در این سازمان و پیامدها و آثار این عضویت پرداخته و تأثیر این مهم بر وزن ژئوپلیتیک ایران در منطقه ارزیابی شده است.

واژه‌های کلیدی: سازمان همکاری شانگهای، جمهوری اسلامی ایران، عضویت دائم، وزن ژئوپلیتیک

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵
فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال ۵، شماره ۱، پیاپی ۱۴، بهار ۱۴۰۱، صص ۵-۳۰

مقدمه

سازمان همکاری شانگهای یک سازمان منطقه‌ای در منطقه آسیای مرکزی و از جمله نهادهایی است که زمینه‌های شکل‌گیری آن پس از فروپاشی ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل و پایان جنگ سرد فراهم شد. این سازمان که به‌طور عمده نماد فرایند شکل‌گیری همگرایی در آسیای مرکزی است، با رشد و گسترش خود امروزه جایگاه مهمی را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آورده است. شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و مذاکرات چین و شوروی (روسیه کنونی) بر سر تنظیم خطوط مرزی دو کشور برمی‌گردد. پس از فروپاشی شوروی، سه کشور تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی، یعنی قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان که با چین هم‌مرز بودند نیز در مذاکرات مزبور شرکت کردند و سرانجام در سال ۱۹۹۶ میلادی «توافق‌نامه اعتمادسازی» را به تصویب رساندند که بر اساس آن محدودیت‌هایی به طول ۱۰۰ کیلومتر در استقرار نیروها و فعالیت‌های نظامی در منطقه مرزی ایجاد کردند. از آنجا که این توافق در شانگهای صورت گرفت و پنج کشور عضو آن بودند، این پیمان به «شانگهای پنج» معروف شد (رضایی و صالحی، ۱۳۸۹، ص. ۵۳).

شانگهای پنج که با ایده چین شکل گرفته بود، در اجلاس سران خود در سال بعد نیز همچنان به مسائل مربوط به مناطق مرزی مشترک اعضا و کاهش نیروهای نظامی در این مناطق پرداخت. در اجلاس ۱۹۹۸ میلادی سران کشورهای گروه شانگهای پنج، توجه به تهدیدهای دیگری را مدنظر قرار دادند که امنیت کشورهای عضو سازمان و حکومت‌هایشان را به چالش می‌کشیدند و به این ترتیب مباحث

این سازمان رسماً به حوزه‌هایی فراتر از مسائل مرزی فی‌مابین ارتقا یافت. ازبکستان در سال ۲۰۰۰ میلادی به‌عنوان عضو ناظر سازمان پذیرفته شد و در سال ۲۰۰۱ میلادی با پذیرش ازبکستان به‌عنوان ششمین عضو دائم، کشورهای عضو به‌طور رسمی تشکیل سازمان همکاری شانگهای را اعلام کردند و این سازمان با عضویت دو کشور روسیه و چین و چهار کشور آسیای مرکزی، اعم از قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان در قالب سازمانی بین‌المللی موجودیت یافت و معرفی شد. با امضای منشور سازمان در سال ۲۰۰۲ میلادی که در آن، اهداف، اصول، ساختار و نحوه اقدامات و همکاری‌ها و گرایش‌ها در حوزه روابط خارجی سازمان همکاری شانگهای تشریح شده بود، این سازمان از لحاظ حقوق بین‌الملل در زمره سازمان‌های رسمی و شناخته شده بین‌المللی قرار گرفت. در دو دهه فعالیت این سازمان، شش کشور ایران، پاکستان، هند، بلاروس، افغانستان و مغولستان نیز به اعضای ناظر این سازمان اضافه شدند که از این میان هند و پاکستان در سال ۲۰۱۷ میلادی توانستند به عضویت دائم این سازمان درآیند و در سال ۲۰۲۱ میلادی هم ایران عضو دائم سازمان شد.

لازم به ذکر است که جمهوری اسلامی ایران در تیرماه ۱۳۸۴ مصادف با پنجمین نشست سران سازمان شانگهای در آستانه قزاقستان، عضو ناظر این سازمان شد و تقاضای خود مبنی بر عضویت دائم در این سازمان را هم در این تاریخ ارائه کرد و از آن زمان خواهان الحاق دائم خود به این سازمان بوده است. به همین جهت و با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این سازمان، تبیین پیامدهای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان حائز اهمیت است. نظر به این مهم، پرسش اصلی پژوهش بر این اساس است که عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای چه تأثیری بر وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه (با تأکید بر آسیای مرکزی) دارد؟ در مقام پاسخ به این پرسش، این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و فرضیه پژوهش بر این مبنا است که عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای، باعث افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران می‌شود.

۱. مبانی نظری

۱-۱. وزن ژئوپلیتیک

وزن ژئوپلیتیکی به معنی ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی تأثیرگذار در قدرت ملی یک کشور است (فرانکل، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۰) که موقعیت یا منزلت آن را در بین مجموعه‌ای از کشورها نشان می‌دهد. افزایش وزن ژئوپلیتیکی، با گسترش حوزه نفوذ و قدرت اثرگذاری بر فرایندها و کنش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، سبب می‌شود امنیت ملی کشور تأمین گردد و تهدیدات علیه آن کاهش یابد و از سوی دیگر منافع و اهداف ملی کشور تضمین و فراهم شود. وزن ژئوپلیتیکی با منزلت ژئوپلیتیکی کشور در سیستم جهانی و منطقه‌ای رابطه مستقیم دارد؛ یعنی هرچه این وزن بیشتر باشد، به همان نسبت منزلت و اعتبار عمومی کشور در بین سایر کشورها بیشتر می‌شود و هر اندازه اعتبار و منزلت افزایش پیدا کند، به همان اندازه فرصت‌های جدید برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرایندها، تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی، منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید و کشور می‌تواند به تدریج در جایگاه رهبری فرایندها و کنش‌های جمعی قرار بگیرد و نقش سیاسی و بین‌المللی محوری ایفا کند (حافظ نیا، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹).

کشورهایی که در مناطق ژئوپلیتیکی بین‌المللی عملاً بر فرایندها، تصمیمات و اقدامات جمعی تأثیر گذاشته و دیگر کشورها و اقدامات و کنش‌ها را نیز متأثر می‌کنند، آن‌هایی هستند که از وزن ژئوپلیتیکی و به تبع آن منزلت بیشتر و برتر در میان سایر اعضای سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردارند. بدین ترتیب هرگاه سخن از جایگاه، موقعیت و منزلت کشوری در منطقه‌ای به میان می‌آید، میزان و توان قدرت ملی آن کشور در مقایسه با سایر کشورها، نخستین موضوعی است که مطرح می‌شود. دولتی که بیشترین وزن را داشته باشد قدرت تراز اول منطقه محسوب می‌شود که در جایگاه رهبری و کنترل منطقه‌ای قرار می‌گیرد و در امور منطقه اعمال نفوذ می‌کند. بر این اساس می‌توان اذعان کرد که قدرت ملی بر اساس مؤلفه‌های ساختاری وزن ژئوپلیتیک تولید می‌شود و در نهایت منزلت ژئوپلیتیکی کشور را شکل می‌دهد.

سنجش قدرت ملی کشورها مستلزم ارزیابی و محاسبه مؤلفه‌ها و عوامل

مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سرزمینی، نظامی، فرهنگی، علمی و فرامرزی کشورها است که محاسبه مجموع امتیازات این عوامل نشانگر میزان و سطح قدرت ملی و تعیین جایگاه آن‌ها در میان کشورها و در سطح منطقه‌ای و قاره‌ای و به عبارت دیگر وزن ژئوپلیتیک آن کشور است. با مشخص شدن وزن و جایگاه ژئوپلیتیکی کشورها، آن‌ها می‌توانند برای رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی‌شده، در راستای تأمین توسعه، رفاه، امنیت و منزلت درخور توجه در مقایسه با کشورهای پیرامونی خود، تدابیر لازم را بیندیشند. طبق برخی از تعاریف عوامل داخلی همچون جمعیت، وسعت سرزمینی، انسجام درونی و... نیز می‌توانند مستقیم یا غیرمستقیم بر وزن ژئوپلیتیکی کشورها تأثیر بگذارند. آنچه در این بحث بررسی می‌شود، مؤلفه‌های مهم قدرت اقتصادی، سیاسی و امنیتی است. (حافظ نیا، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۱) با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش هدف این است که بدانیم عضویت دائم جمهوری اسلامی در سازمان‌های تا چه اندازه بر قدرت اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران اثرگذار است، یا به بیان دیگر، عضویت دائم ایران در سازمان‌های تا چه تأثیری بر وزن ژئوپلیتیکی ایران دارد.

۲-۱. علل شکل‌گیری و تداوم سازمان همکاری‌های شانگهای

گسترش تعاملات جهانی در چارچوب روابط بین‌الملل، پیشرفت‌های علمی و فنی، رشد فناوری‌های نو و نیاز نظام بین‌الملل کنونی به تعامل و همکاری بیشتر، تشکیل سازمان‌هایی را برای قانونمند ساختن روابط بین دولت‌ها ضروری نموده است. از آغاز قرن بیستم به این سو سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان ضرورت زیست جمعی و جزئی مهم و لاینفک از نظام بین‌المللی در حال تحول به حساب می‌آیند؛ به‌نحوی که امروزه سازمان بین‌المللی یک پدیده بارز حکومت مدرن است و ساختاری شناخته می‌شود که در واقعیت‌ها ریشه دوانیده و با ضرورت‌های روابط بین‌الملل مطابقت دارد. در تئوری‌های روابط بین‌الملل هم نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است. نئورئالیست‌ها، نهادها و سازمان‌ها را به‌عنوان ابزاری در دست قدرت‌های بزرگ تبیین کرده‌اند و نهادگرایان، سازمان‌های بین‌المللی را حوزه‌هایی برای همکاری در عرصه بین‌المللی در نظر می‌گیرند و سازه‌انگاران،

سازمان‌های بین‌المللی را به‌عنوان بازیگرانی مورد بررسی قرار می‌دهند که در ترویج هنجارها در عرصه روابط بین‌الملل فعال‌اند (رضایی، ۱۳۸۹، ص. ۹۶۴). برای فهم دقیق ماهیت یک سازمان باید علل زیربنایی شکل‌گیری آن را تحلیل کرد. در ادامه برای تبیین علل شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای مجموعه نظرات مطرح در این خصوص بررسی می‌شود.

۱-۲-۱. همکاری ضد تروریستی و ضد جدایی‌طلبی در منطقه

کشورهای منطقه آسیای مرکزی، چین و روسیه همواره با چالش‌هایی از نوع تروریسم و جدایی‌طلبی مواجه بوده‌اند: چین از جانب اسلام‌گرایان و مناطق غربی خود چون سین‌کیانگ که در مجاورت آسیای مرکزی است نگرانی داشته و روسیه با چالش‌های جدایی‌طلبی در منطقه قفقاز شمالی و به‌ویژه چچن روبه‌رو بوده است. کشورهای آسیای مرکزی نیز با چالش گروه‌های اسلام‌گرای تندرو و جدایی‌طلب مواجه است و از این بابت همواره احساس تهدید می‌کند. بسیاری از اندیشمندان از جمله «ریچارد ویتز»^۱، «سابدو آتال»^۲ و «الکساندر لوکین»^۳ معتقدند که وجود تهدیدات مشترکی از این دست باعث شد این کشورها برای مقابله با این تهدیدات متحد شوند؛ بنابراین می‌توان گفت مبارزه با تروریسم از اصلی‌ترین دلایل شکل‌گیری سازمان شانگهای بوده است. (مرادی، ۱۳۸۷، ص. ۶۲)، (Schwartz, 2017)

۱-۲-۲. عادی‌سازی روابط و تنش‌زدایی میان چین و روسیه

هدف دیگر از تشکیل سازمان شانگهای تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط بین چین و روسیه است. این دو کشور و دو همسایه رقیب و قدرتمند، همواره با چالش‌هایی

۱Xinjiang

۲Richard Weitz

۳Subodh Atal

۴Alexander Lukin

مواجهه بوده‌اند و به‌زعم افرادی چون «نیکلاس اسوانتزترام»^۱، هدف اصلی از ایجاد نهادی مانند سازمان همکاری شانگهای را می‌توان تلاش برای کاهش تنش‌های میان دو طرف دانست که از نظر آنان این سازمان در اجرای این مهم نیز موفق بوده است. (Swanstrom, 2014, p. 485)

۳-۲-۱. ایجاد موازنه میان روسیه و چین

تحلیل دیگر دربارهٔ ایجاد سازمان همکاری شانگهای بر مبنای نظریه موازنه قوای منطقه‌ای به توجیه این امر می‌پردازد. بر این اساس، روسیه و چین همواره از گسترش نفوذ یکدیگر نگران بوده و در قالب تشکیل این سازمان سعی کرده‌اند در نفوذ دو طرف در منطقه توازن ایجاد کنند. این دیدگاه را می‌توان در آثار افرادی مانند سابو و آتال نیز مشاهده کرد. هر چند تحلیل آتال به ساختاری ضد تروریستی نزدیک‌تر است، اما به اعتقاد او چین و روسیه هر دو از حضور سنتی و نفوذ روزافزون یکدیگر در منطقه نگران هستند. بر مبنای همین نظریه، وی بیان می‌کند که در راستای برقراری توازن و جلوگیری از برتری چین، کشور روسیه خواهان پیوستن هند به سازمان بوده و در مقابل چین با پیوستن پاکستان به این سازمان موافق بوده است تا توازن در برابر روسیه و هند ایجاد شود. به همین شکل، «استوارت هاریس»^۲ معتقد است که منطقه‌ای مانند آسیای مرکزی، موجود بین این دو کشور، به‌نوعی حیات خلوت و خارج نزدیک روسیه محسوب می‌شود. چین بازیگری کلیدی در این منطقه و به دنبال توسعه نفوذ خود در آسیای مرکزی است و از سوی دیگر، روسیه به دنبال جلوگیری از نفوذ و برتری چین در منطقه است و به همین دلیل هر دو کشور برای رسیدن به این اهداف از این سازمان خود سود می‌برند. (مرادی، ۱۳۸۷، ص. ۶۲)، (Kaczmariski, 2019).

۴-۲-۱. ایجاد موازنه در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا

نظام تک‌قطبی، حضور آمریکا در منطقه و گسترش نفوذ آن هیچ‌گاه مورد قبول

^۱Niklas Swanström

^۲Stuart Harris

چین و روسیه نبوده و این دو کشور همواره با آن مخالفت کرده‌اند. این سازمان فرصتی فراهم آورده تا کشورهای عضو آن، به‌ویژه چین و روسیه در تحقق این هدف خود بکوشند؛ به همین دلیل است که شاهد تأکید بر مواردی چون «جهان چندقطبی» و «دموکراتیک سازی روابط بین‌الملل» از طریق این سازمان و اعضای آن هستیم و چنین مواردی باعث شده این سازمان در ذهن بسیاری از تحلیلگران به‌عنوان سازمانی ضدآمریکایی شناخته شود (Alimov, 2018, p. 121).

با اینکه تمامی اعضای این سازمان روابط متقابلی با ایالات متحده دارند، ولی همگی مخالف حضور و نفوذ آمریکا در منطقه هستند. بیان چنین مواردی را در صحبت‌های سران کشورها و اهداف اعلامی این سازمان می‌توان مشاهده کرد و به‌واقع یکی از اصلی‌ترین اهداف و دلایل ایجاد سازمان همکاری شانگهای همین بوده است (White Paper, 2019, p. 56).

ایالات متحده به‌ویژه پس از یازده سپتامبر، به بهانه مبارزه با تروریسم سعی کرد حضور خود را در منطقه آسیای مرکزی توسعه دهد (آدمی و عزیزی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴) اما این موضوع مورد قبول و خوشایند چین و روسیه نبود و همین باعث شد که دو کشور توجه بیشتری به ایجاد سازوکارهایی برای جلوگیری از این روند معطوف کنند؛ سازوکارهایی که بارها در تصمیمات سازمان در قبال آمریکا مشهود بود. از درخواست سازمان از آمریکا برای مشخص کردن بازه زمانی برای خروج نیروهایش از افغانستان گرفته تا خروج از پایگاه نظامی خود در ازبکستان (ماناس) و رد درخواست آمریکا برای عضویت در سازمان شانگهای، می‌توانند بیانگر رویکرد ضدآمریکایی این سازمان و تلاش برای ایجاد موازنه در برابر قدرت این دولت باشند (Kaczmarek, 2019).

۵-۲-۱. گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای

جمهوری‌های سابق شوروی، پس از فروپاشی این کشور آمادگی استقلال کامل را نداشتند و دور ماندن آن‌ها از صنعت، به دلیل تمرکز بر تولید مواد خام، این کشورها را بر آن داشت تا برای یکپارچگی و اتحاد در آسیای مرکزی قدم‌هایی بردارند که سازمان همکاری شانگهای چنین بستری را برای این کشورها فراهم

نمود (انوری و رحمانی موحد، ۱۳۸۷، ص. ۵۸).

اهمیت مباحث اقتصادی را می‌توان از شورای سران سازمان مبنی بر ایجاد ساختارهای جدید مشاهده کرد. در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ میلادی شورای سران حکومت‌ها (نخست وزیران)، یک کنسرسیوم بین‌بانکی ایجاد کردند که دارای اعضای متشکل از بانک‌های کشورهای عضو است؛ شامل بانک توسعه قزاقستان، بانک توسعه دولتی چین، بانک توسعه امور اقتصادی خارجی روسیه، بانک ملی تاجیکستان و بانک ملی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی خارجی ازبکستان. در دومین شورای کنسرسیوم بین‌بانکی در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ میلادی شرکت «پس‌انداز پرداخت قرقیزستان» نیز به جمع مذکور افزوده شد. همچنین در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ میلادی مدیران بانک‌های عضو، برنامه اقدامی را برای پشتیبانی از همکاری‌های اقتصادی منطقه آسیای مرکزی امضا کردند که راهبرد فعالیت‌های کنسرسیوم بین‌بانکی را در میان مدت مشخص می‌کرد.

در تداوم این موضوع تصمیمات مؤثری در زمینه اعتبارات لازم برای اجرای پروژه‌های با سرمایه‌گذاری مشترک در حدود ۷۴۲ میلیون دلار در همان سال امضا شد. در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ میلادی و در جریان کنفرانس سران دولت‌ها، ساختاری با عنوان «شورای بازرگانی» در سازمان همکاری شانگهای تعریف شد. این تصمیم در پی مذاکرات نمایندگان پارلمان کشورهای عضو در می ۲۰۰۶ میلادی در مسکو اتخاذ گشت. این شورا سازوکاری غیردولتی است که در صدد گسترش تعاملات بازرگانی میان کشورهای عضو و تعاملات سرمایه‌ای و مبادلات مالی اعضای سازمان است. همکاری‌های چندجانبه در خصوص انرژی، حمل‌ونقل، فناوری‌های نو، بهداشت و مسائل کشاورزی نیز در دستور کار این شورا قرار دارد. هماهنگ‌سازی قوانین ملی در زمینه اقتصادی، بخش بنیادین در فعالیت‌های این شورا است که تاکنون در این خصوص چندان موفق عمل نکرده است. به‌طور کلی می‌توان گفت مسائل اقتصادی شامل بخش مهمی از فعالیت‌های این سازمان و از جمله دغدغه‌هایی است که زمینه ایجاد و تداوم سازمان را موجب شده است.

(رضایی و صالحی، ۱۳۸۹، ص. ۵۹)، (Dragon news, 2015)

۲. علل تأخیر در پذیرش عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری شانگهای

روسیه یکی از اعضای اصلی، بحث عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای را به بعد از لغو تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران موکول کرده بود؛ هرچند می‌توان گفت که روس‌ها مانع جدی در این مسیر نبودند و امروز بر اساس اظهارات خودشان، از عضویت دائم ایران حمایت می‌کنند. تاجیکستان از دیگر مخالفان این عضویت بود؛ کشوری که دولتی سکولار دارد و با گروه‌های اسلامی در تقابل است و برای تأمین منافع اقتصادی خود، با عربستان که منشأ بنیادگرایی است، رابطه نزدیک برقرار کرده است؛ مسئله‌ای که تناقض عجیبی در سیاست خارجی دو شنبه محسوب می‌شود. ایران همواره سعی کرده مناسبات گسترده و خوبی با تاجیکستان داشته باشد و در حل جنگ داخلی تاجیکستان با میانجیگری خود تلاش‌های مؤثری انجام داده و با توجه به اشتراکات فرهنگی، زبانی و... روابط خود را با این کشور در عرصه‌های مختلف بیشتر کرده است، اما در چند سال گذشته این روابط در سطح مطلوب قرار ندارد؛ هرچند اقدامات دو طرف و ملاقات‌هایی که به‌ویژه طی سالیان اخیر میان مقامات ایران و تاجیکستان روی داده است، تأثیر خوبی بر روابط دو کشور داشته است.

چین به‌عنوان یکی از اعضای اصلی سازمان همکاری شانگهای، روابط سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای با ایران دارد و در مذاکرات هسته‌ای با قدرت‌های جهانی هم شرکت داشت؛ با این حال، به دلیل اختلافش با روسیه در سال‌های گذشته و برای جلوگیری از ایجاد تنش با ایالات متحده، مانع عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای می‌شد. پس از مدتی برخی از آن اختلافات حل شد، ولی چین با عربستان سعودی باب تازه‌ای از روابط گسترده اقتصادی را گشود و ملک سلمان، پادشاه سعودی در سفرش به چین در اسفند ۱۳۹۵، توافق‌نامه‌هایی به ارزش ۶۵ میلیارد دلار در بخش‌های نفت، بازرگانی، اقتصادی و امنیتی و نظامی با دومین اقتصاد بزرگ جهان امضا کرد. به این ترتیب عربستان شریک مهم پکن در زمینه

صادرات انرژی به چین شد و چین همیشه سعی کرده است تعادلی را در روابط خود با تهران و ریاض برقرار کند تا از مزایای اقتصادی آن بهره ببرد؛ اما در رویکرد سیاسی چین، عضویت دائم جمهوری اسلامی در این سازمان، می‌تواند توازن این معادله را به نفع ایران جابه‌جا کند و آن‌ها را در تقابل با سعودی‌ها قرار دهد. البته در سال‌های اخیر و در آخرین نشست‌های سران سازمان شانگهای، به‌ویژه از اجلاس ۲۰۱۷ میلادی در آستانه مرکز قزاقستان، موضوع الحاق رسمی و دائمی ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای در فضایی متفاوت با گذشته بررسی شد، اما به‌رغم تمایل ایران برای عضویت دائم این سازمان و موافقت روسیه با این امر، سران پکن استقبال چندانی نکردند. با وجود این آخرین بار در نشست سران شانگهای، «لی خویی لای» معاون وزارت خارجه چین اظهار کرد که ایران یکی از فعال‌ترین کشورهای عضو ناظر سازمان است و تأکید نمود که ایران برای چین اهمیت زیادی دارد و پکن از عضویت دائم تهران حمایت و استقبال می‌کند. امیدها برای پیوستن دائم ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای بالا گرفت تا این امر مهم در نشست‌های آتی به نتیجه برسد و پس از تعیین تکلیف وضعیت پاکستان و هند، نوبت به ایران و سه کشور ناظر دیگر برسد تا به عضویت دائم این سازمان بپیوندند. (ایرنا، ۱۳۹۸)

با توجه به آنچه در جلسات سران سال‌های اخیر سازمان شانگهای گذشته، به‌ویژه پس از خروج آمریکا از برجام، در مورد درخواست عضویت دائم ایران، مخالفت پنهان و پیدای چین و تاجیکستان باعث شد سازمان شانگهای عضویت دائم ایران را نپذیرد. هرچند در دو سه سال اخیر، چین در اظهارات رسمی خود از عضویت دائم ایران حمایت کرده بود، اما پیش از آن، دلایلی چون تحریم‌های ایران و عدم تمایل به افزایش تنش و مواجهه با آمریکا باعث مخالفت چین با عضویت دائم ایران بود. همچنین تاجیکستان با عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای مخالفت می‌کرد؛ زیرا مدعی بود این موضوع می‌تواند به حمایت ایران از جنبش‌های افراطی در آسیای مرکزی منجر شود که به نظر می‌رسد منظور تاجیکستان، گروه‌های

اسلام‌گرا بود. «ایلینا دونایوا»^۱ کارشناس بخش ایران «مرکز عالی روسی شرق‌شناسی» بیان کرد که رد درخواست عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای در نتیجه مخالفت چین و تاجیکستان بوده است و چین از افزایش شدت احساسات ضدآمریکایی در میان تندروهای ایران نگران و منتظر عادی‌سازی روابط میان ایران و غرب است. به گفته این کارشناس روس، اعمال فشارهای آمریکایی و غربی در مخالفت چین با عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای نقش مهمی داشت. «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه نیز در این نشست‌ها از عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای به شدت حمایت می‌کرد. روسیه قبل از این گفته بود در صورت رفع تحریم‌ها، مانعی در برابر عضویت ایران در سازمان شانگهای نیست (عصر ایران، ۱۳۹۵)، (Tehrantimes, 2020).

۳. عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای: فرصت‌ها و چالش‌ها

ایران به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای نشان داده است که توان بازیگری و اعمال نفوذ در موضوعات و مسائل مختلف از لبنان و فلسطین تا عراق و افغانستان را دارد؛ با وجود این، در بحث پایداری کارکرد قدرت ایران، مسائل و مشکلاتی وجود دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

الف) سیاست بین‌المللی امروز یک کل یکپارچه است و امکان جدا کردن بخش‌هایی از آن بدون توجه به بازی رایج در سطح کل سیستم امر بسیار مشکلی است. هر تلاشی برای بازی مؤثر و رایج در سطوح منطقه‌ای، مستلزم توجه به بازی رایج در هنجارهای سیستم است. به بیان ساده‌تر، خیلی سخت است که کشوری هم مدعی جدی قدرت‌های اصلی نظام بین‌المللی باشد و هم بخواهد نفوذش را در یک منطقه مهم بین‌المللی به رسمیت بشناسد. از این‌رو، نخستین مشکل جمهوری اسلامی ایران، ورودش به یک بازی بزرگ در سیاست بین‌الملل است که با به مبارزه طلبیدن همه قواعد رایج آن می‌خواهد قدرت‌های بزرگ را به قبول موقعیت منطقه‌ای خود وادار نماید. این موضوع آنجا خود را نشان می‌دهد که ایران‌هراسی از طرف قدرت‌های جهانی تبلیغ می‌شود. به‌عنوان مثال نمونه‌ای از

^۱Elena Dunaeva

تأثیر این اقدامات و تبلیغات در رأی‌گیری برای عضویت غیر دائم ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد اتفاق افتاد که ۱۵۸ دولت به ژاپن و ۳۲ دولت به ایران رأی دادند. در این رابطه همچنین می‌توان به اعمال فشارها و تحریم‌ها در ارتباط با صرفاً موضوع هسته‌ای اشاره کرد که عامل محدودسازی قدرت ایران در نظر گرفته شده بود و برخی کشورهای منطقه نیز از آن استقبال می‌کردند و هنوز هم از دور شدن ایران از عواقب آن پرونده نگران هستند و کارشکنی می‌کنند.

ب) خاورمیانه به همراه اوراسیای مرکزی، پاسیفیک و آتلانتیک، چهار منطقه اصلی جهان هستند که به‌زعم بسیاری خاورمیانه مهم‌ترین آن‌ها است و به‌ویژه در یک قرن اخیر برای قدرت‌های خارجی اهمیت ویژه‌ای یافته است و به همین دلیل حساسیت آن‌ها به این منطقه و مخالفت شدیدشان با یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار بومی در معادلات منطقه مشاهده می‌شود و محدودیت مهم برای موقعیت قدرت ایران در خاورمیانه امروز نیز همین موضوع است. مادامی‌که خاورمیانه مرکز اصلی تولید انرژی برای اقتصاد سرمایه‌داری جهانی است و قدرت‌های اصلی نظام سرمایه‌داری جهانی بر نظام بین‌الملل حاکم هستند، به‌طور قطع جلوگیری از ظهور یک قدرت منطقه‌ای که بخواهد مقدرات بومی منطقه را بر مطامع دولت‌های سرمایه‌دار ترجیح دهد، برای آن‌ها ضروری خواهد بود. البته این بدان معنی نیست که چنین امری جبری و همیشگی باشد، اما به‌هرحال واقعیت سخت و پرمخاطره‌ای است که حل آن مستلزم درایت و واقع‌بینی است تا هزینه‌های آن گسترده و کلان نشود.

ج) منطقه مورد نظر ایران هم‌پوشانی جدی با حوزه‌های نفوذ سایر قدرت‌ها دارد. روسیه خود را قدرت برتر اوراسیای مرکزی (از بالتیک تا آسیای مرکزی) می‌داند و بخشی از این منطقه (آسیای مرکزی، خزر و قفقاز) در سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران، منطقه آسیای جنوب غربی قلمداد می‌شود و بخشی از خاورمیانه بزرگ مورد نظر آمریکا به شمار می‌آید. در مورد چین و آسیای مرکزی و نفوذ روزافزون آن و نیز ترکیه، در قفقاز و آسیای مرکزی و عربستان در خلیج فارس و مصر در خاورمیانه عربی همین وضعیت صادق است. ترکیه در راستای

سیاست‌های خود و مباحثی چون عثمانی بزرگ و اتحاد کشورهای ترک به آسیای مرکزی و قفقاز توجهی خاص داشته و همواره به دنبال توسعه حضور و نفوذ خود در منطقه بوده است و سعی می‌کند که خود را به‌عنوان مهره‌ای مهم و پل جهان اسلام و غرب نشان دهد. کشوری مانند عربستان نیز که داعیه رهبری اعراب و جهان اسلام را دارد، همیشه سعی کرده خود را به‌عنوان بازیگری تأثیرگذار در خاورمیانه نشان دهد و اینک به دنبال افزایش حضور خود در مناطقی مانند آسیای مرکزی است؛ هرچند که همواره در این مسیر با چالش‌هایی مواجه بوده است. عواملی مانند نفت و توانمندی‌های مالی موجب شده که کشورهایی چون عربستان یا برخی کشورهای منطقه برای قدرت‌های بزرگ جذابیت داشته باشد و از حمایت آن‌ها برخوردار شوند. به‌هرحال، یک واقعیت مهم در این منطقه، احساسی است که کشورهای از به هم خوردن موازنه منطقه‌ای دارند و این موضوع می‌تواند زمینه‌های روانی و عملی برای اقدامات حاد ضد ایرانی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی باشد.

د) هرچند ایران از قابلیت‌های فراوان و شرایط مطلوبی برخوردار است، اما هنوز نتوانسته است ترتیبات و ساختار مؤثری در منطقه ایجاد کند یا در ساختارهای مهم منطقه نقش قابل توجهی ایفا کند؛ حتی ساختارهایی همچون شورای همکاری خلیج فارس که هویت ضد ایرانی دارند. در واقع، ایران هنوز نتوانسته است در مشارکت، همکاری و ایجاد نهادها، ساختارها و ترتیبات رسمی و غیررسمی منطقه نقش درخوری داشته باشد و در ساختارهایی نظیر شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب، گوام، کشورهای مستقل هم‌سود (سی‌آی‌اس)^۱ و حتی اتحادیه اقتصادی اوراسیا، هیچ‌گونه حضور و نقش مؤثری ندارد. جمهوری اسلامی ایران صرفاً محور یک سازمان منطقه‌ای اقتصادی (اگو) است که آن‌ها بنا بر آمارهای موجود، اهمیتی در تعاملات اقتصادی منطقه ندارد و اهداف مدنظر از ایجاد آن محقق نشده است. ایده‌های ایران برای ایجاد سازمان کشورهای ساحلی خزر و بازار مشترک اسلامی نیز به علت مخالفت روسیه و عربستان عملی نشده است.

۱ GUAM

۲ CIS

هـ) بخش مهمی از موقعیت قدرت ایران چه در مسائل داخلی و چه در نفوذ منطقه‌ای به درآمدهای نفتی وابسته و همواره در معرض آسیب است. افزایش درآمدهای نفتی به همان میزان که قدرت دولت را افزایش می‌دهد، انتظارات داخلی را نیز بالا می‌برد و با افزودن بر هزینه‌های دولت، آن را در داخل آسیب‌پذیر می‌کند. از طرفی با کاهش درآمدهای نفتی هزینه‌های امنیتی داخلی نیز بالا می‌رود. مجموع این مسائل با وجود نقش منطقه‌ای مؤثر ایران در منطقه و کمک آن به دولت‌های موجود در عراق و سوریه و افغانستان، به علت حل نشدن مشکلات موجود با غرب و نگرانی‌های منطقه‌ای از سوی عربستان و ترکیه، باعث نوعی انزوای ساختاری و نهادی برای ایران شده است؛ به طوری که در حال حاضر، ایران محور هیچ سازمان مهمی در منطقه و بازیگر مهمی در هیچ‌کدام از سازمان‌های موجود نیست. علاوه بر این، ایده‌ها و تلاش‌های ایران برای تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای با مخالفت قدرت‌های رقیب روبه‌رو شده است. در نتیجه، از سوی دولت‌های منطقه و نهادهای موجود هم تحت فشار مضاعفی قرار گرفته است. علت این موضوع را می‌توان در روابط آمریکا با کشورهای منطقه، هم‌پوشانی منطقه مورد ادعا با مناطق نفوذ دیگر و وجود برخی شکاف‌های طبیعی قومی و مذهبی دنبال کرد. از این‌رو، موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از ایجاد یا حضور در ساختارها و نهادهای هنجار ساز دور مانده است و این مشکل بزرگی برای تداوم قدرت و نقش آن است.

جمهوری اسلامی ایران در دو دهه گذشته تلاش کرده است تا به نهاد سازی منطقه‌ای بپردازد و در زمینه نهادهای منطقه‌ای، سازمان همکاری اقتصادی (اگو) را با همکاری ترکیه و پاکستان تشکیل داد که پنج کشور آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان نیز عضو آن هستند. در سال ۱۹۹۱ ایران خواستار عضویت ناظر شورای همکاری خلیج فارس شد، اما عربستان مخالفت کرد و در ۱۹۹۳ تشکیل سازمان «کشورهای ساحلی دریای خزر» را پیشنهاد و پس از آن این موضوع را تکرار نمود، اما با مخالفت روسیه، هنوز هم چنین نهادی شکل نگرفته است. اساساً روسیه از حضور نهادینه و سازمانی ایران در منطقه پیرامون خود و نهادهای حوزه

سی‌آی‌اس نگران است. از این‌رو، ایران با یک مشکل مهم روبه‌رو است؛ نهادهای گوناگونی از اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، ناتو، سی‌آی‌اس و «سازمان پیمان امنیت جمعی»^۱ در محیط پیرامونی‌اش فعال هستند و کشورهای مجاور ایران با آمریکا، اروپا و روسیه قراردادهای دوجانبه نظامی و امنیتی دارند؛ اما ایران محور هیچ نهاد سیاسی و امنیتی‌ای در منطقه نیست یا اصلاً در چنین نهادهایی حضور ندارد. از این‌رو، تلاش ایران برای نهادسازی یا عضویت در نهادهای موجود امری طبیعی و واقعی است و استقبال از سازمان همکاری شانگهای نیز از این جهت است. در واقع، منطقی خروج از انزوای نهادی، موتور محرکه ایران برای حرکت به سمت سازمان شانگهای است. برخی تحلیلگران حتی بر این عقیده‌اند که ایران به دنبال روابط نزدیک‌تر با روسیه، چین و هند است تا در آینده تضمین‌کننده بالقوه امنیت برای آن باشد (کرمی، ۱۳۹۵، ص. ۸۴).

مهم‌ترین هدف در سند چشم‌انداز بیست ساله که اهداف بلندمدت را تا سال ۲۰۲۵ ترسیم می‌کند، تبدیل ایران به کشوری توسعه‌یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فنی در منطقه آسیای جنوب غربی است. (سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴)

طبیعی است در راستای تحقق این اهداف، یکی از اقداماتی که می‌تواند بسیار مهم و تأثیرگذار باشد و ایران را در راستای رسیدن به منافع ملی و اهدافش یاری دهد، حضور و مشارکت فعال در فرایندهای منطقه‌ای است، به‌ویژه اگر در حالت مطلوب، با جهت‌بخشی و شکل‌دهی این فرایندها از سوی ایران همراه باشد (واعظی، ۱۳۸۹، ص. ۳۶).

همسایگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای پیرامونی‌اش، آن را با سیستم‌هایی چون خلیج فارس، خاورمیانه و جنوب غرب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز و شرق مدیترانه، مرتبط ساخته و به‌نوعی ایران مکمل و چشم‌انداز «امتداد همسایگان» بوده است و از قابلیت مناسبی برای ایفای نقش و بازیگری در این سیستم‌ها برخوردار است. این موضوع زمانی مهم‌تر می‌شود که برخی اتفاقات و

روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی مانند ارتقای نقش و بازیگری بیشتر چین، افزایش توان هند، احیای روسیه و مسائلی مانند تروریسم و توجه روزافزون آمریکا به این مناطق بر اهمیت این حوزه جهانی می‌افزاید. در سال‌های گذشته، برخی سیاست‌ها، رویکردها و رخدادها (مانند سیاست‌ها و فشارهای آمریکا و غرب) باعث شده که ایران عملاً در سیستم تابع امنیتی خلیج فارس قرار گیرد، بر این اساس، همگرایی منطقه‌ای راهبردی در حوزه‌های شمالی ایران در چارچوب اهداف چشم‌انداز بیست ساله، مدنظر و مطلوب جمهوری اسلامی ایران است. به‌علاوه ایفای نقش بیشتر ایران در منطقه‌ای مانند آسیای مرکزی که مورد توجه بازیگران رقیب دیگری چون آمریکا و غرب است، می‌تواند تعامل سازنده اقتصادی- فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را به امنیتی- اقتصادی تغییر دهد (Siddiqui, 2019).

با توجه به آنچه بیان شد، بدیهی است سازمان همکاری شانگهای مورد توجه ایران بود و ایران با عضویت دائم ایران در این سازمان و استفاده از ظرفیت‌های آن بعضی اهداف راهبردی سیاست خارجی خود را محقق خواهد ساخت. (طباطبایی، ۱۳۹۰، صص ۱۸۵-۱۸۶).

از این‌رو، عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای بر چند استدلال مهم مبتنی است: نخست اینکه ایران به لحاظ عضویت در نهادهای منطقه‌ای مؤثر ضعیف بوده است؛ به‌عنوان مثال، کشورهای پیرامونی ایران از جمله کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، در نهادهای مختلفی از جمله اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و غیره حضور دارند و از مزایای عضویت در این نهادها بهره می‌برند. در شمال ایران نیز کشورهای حوزه «سی‌آی‌اس» سازمان‌های مختلفی از جمله سازمان کشورهای هم‌سود و سازمان پیمان امنیت جمعی را تشکیل داده است و در شرق و غرب نیز روندها و سازمان‌های منطقه‌ای بسیاری وجود دارد که کشورهای مختلف در آن‌ها عضویت دارند و به این ترتیب به افزون‌سازی منافع خود مبادرت می‌کنند و ایران نیز که پیش از این، فقط در یک سازمان منطقه‌ای اقتصادی محدود، یعنی اکو عضویت داشت، پس از عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای قادر شده است از مزایا و مطلوبیت‌های این سازمان بهره‌مند شود.

عضویت دائم ایران در سازمانی با چنین اهمیت و قابلیت‌هایی، نقش‌آفرینی‌اش را در جهان مهم‌تر و بارزتر می‌کند و فرصت جدیدی را برای فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی ایران فراهم می‌سازد. علاوه بر این، طبیعی است که متناسب با ارتقای نقش سازمان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش ایران نیز افزایش می‌یابد. یکی از اصلی‌ترین اهداف ایران از عضویت دائم در سازمان شانگهای، ظرفیت چندجانبه آن برای رویارویی با آمریکا و جلوگیری از گسترش نفوذ این کشور در منطقه بوده است. ایران که روابط چندان مطلوبی با غرب ندارد، با پیوستن دائمی به این سازمان روابط خود را با متحدان سیاسی‌اش مثل چین و روسیه تقویت می‌کند و این عضویت موجب بالا رفتن وزن ایران در برابر تهدیدات آمریکا می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این پس با اتخاذ مواضع اصولی و پرهیز از گفتمان تقابل‌جویانه، تصویر نامناسب غرب را در جلوه دادن ایران به‌عنوان یک کشور تکرو و منزوی که به هیچ‌گونه ترتیبات و همکاری‌های بین‌المللی پایبند نیست بزداید و بر نقش تعاملی و سازنده تهران تأکید نماید.

با توجه به اهداف سازمان همکاری شانگهای می‌توان گفت که این پیمان با مطلوبیت‌های راهبردی و دکترین نظامی ایران سازگاری دارد؛ چراکه ایران نیز همیشه بر احترام به حق حاکمیت کشورها و توسعه تعاملات و همکاری‌های اقتصادی، امنیتی، سیاسی و راهبردی تصریح و به مشارکت و همکاری کشورهای منطقه در ایجاد و گسترش امنیت منطقه‌ای اعتقاد دارد. طبیعی است گسترش و درهم تنیدگی امنیتی از طریق چنین پیمان‌هایی، برای تک‌تک کشورهای عضو از جمله جمهوری اسلامی ایران، ارتقای امنیت را به همراه خواهد داشت.

با تأمل بر سازمان شانگهای می‌توان دریافت که برای ایران استفاده از این سازمان برای ایجاد و تحکیم ثبات در محیط امنیتی خود، اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا محیط امنیتی ایران با محیط امنیتی دیگر اعضای سازمان همپوشانی‌های زیادی دارد. این امر وقتی مهم‌تر می‌شود که در حالی ایران بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله باید به جایگاه اول اقتصادی و علم و فناوری در منطقه جنوب غرب

آسیا دست یابد که در یکی از پرآشوب‌ترین و بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان قرار گرفته است؛ محیطی که از یک‌طرف به پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی و از طرف دیگر به خاورمیانه و عراق و قفقاز متصل می‌شود و به همین دلیل طبیعی است که حصول اهداف سند چشم‌انداز در چنین محیط امنیتی‌ای بس دشوار است و اهمیت ایجاد ثبات و نهاد سازی مشخص و پررنگ می‌شود. با توجه به اهداف سازمان در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی - امنیتی، می‌توان این سازمان را ابزاری ثبات‌زا در محیط امنیتی ایران در نظر گرفت و از آن برای ایجاد ثبات در محیط امنیتی ایران و بسترسازی بدر جهت نیل به اهداف سند چشم‌انداز بهره گرفت.

بنابراین سازمان شانگهای در زمینه کاهش برخی دغدغه‌ها در منطقه برای ایران مؤثر خواهد بود. از مهم‌ترین اهداف سازمان همکاری شانگهای، مبارزه با افراط‌گرایی مذهبی، مقابله با تروریسم، مبارزه با جدایی‌طلبی، جلوگیری از قاچاق مواد مخدر، همکاری‌های منطقه‌ای و تأمین صلح و ثبات در منطقه است. ایران با توجه به قرار گرفتن در یک منطقه راهبردی و مهم، انرژی زیادی را صرف مبارزه با افراط‌گرایی مذهبی، تروریسم، جدایی‌طلبی و قاچاق می‌کند؛ بنابراین عضویت دائم در این سازمان و همکاری اعضا برای حل این مشکل، برای ایران کاملاً حیاتی و مهم می‌کند. نقش پررنگ ایران در این مهم را برجسته‌تر و مقبول‌تر می‌سازد.

از دیدگاه قوای نظامی، اعضای دائم این سازمان سلاح‌های هسته‌ای و توانمندی‌های نظامی بالایی دارند که این خود، می‌تواند برخورداری ایران از یک پشتوانه امنیتی قوی باشد. با عضویت دائم ایران در این سازمان عملکرد ایران در رویارویی با غرب در مقایسه با قبل تغییر کرده، آزادی عمل بیشتری خواهد داشت.

عضویت دائم در این پیمان، امکان گسترش تعاملات و روابط با قدرت‌هایی مانند روسیه و چین (به‌عنوان دو همکار و شریک اصلی ایران در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی)، سایر هم‌سایگان و کشورهای عضو این پیمان (کشورهای آسیای مرکزی)، هند و حتی کشورهای شرق را فراهم می‌آورد و بدون تردید ایران فرصتی خواهد یافت که به تقویت نقش منطقه‌ای خود و حل‌وفصل مسائل میان کشورهای منطقه بپردازد.

حضور چین و روسیه از دو جنبه اقتصادی و سیاسی برای ایران اهمیت دارد: اینکه حل و فصل بسیاری از موضوعات سیاسی ایران بدون تعیین موضع از سوی روسیه در جامعه بین‌الملل حل نخواهد شد و از نظر اقتصادی، ایران و چین تعاملات وسیعی را در حوزه‌های اقتصادی و صادرات و واردات دارند. نیاز فراوان پکن به انرژی و نیازهای مختلف ایران به کالاهای این کشور در چند سال گذشته تیر اخبار میان آن دو بوده است. با توجه به حجم زیاد مبادلات اقتصادی درون سازمانی در سازمان همکاری شانگهای و تعاملات اقتصادی قابل توجه بین ایران و چین، ایران با عضویت دائم در این سازمان و افزایش مبادلات اقتصادی با اعضا از لحاظ اقتصادی ارتقا می‌یابد و می‌تواند با توجه به وابستگی‌های اقتصادی ایجاد شده بین اعضا، سطح امنیتی خود را بالا ببرد و تا حدودی امنیت خویش را تضمین کند.

جمهوری اسلامی ایران نیازمند حضور مؤثر در آسیای مرکزی و ارتباط چندجانبه و گسترش تعاملات با کشورهای این منطقه است. آسیای مرکزی با توجه به ژئوپلیتیک خاص، منابع زیرزمینی و بازارهای وسیع برای ایران حائز اهمیت است. این ویژگی‌ها به‌ویژه با توجه به مکمل بودن اقتصاد ایران و کشورهای این منطقه و فرصت‌های فراوان موجود در این کشورها و با کاتالیزوری مانند اشتراکات و قرابت‌های فراوان فی‌مابین، اهمیت بیشتری می‌یابد و مزیتی بس ویژه برای اقتصاد ایران است. سازمان شانگهای دروازه‌ای به سوی استفاده بیشتر از این فرصت‌ها و تحقق این مزیت‌ها است.

۴. دلایل افزایش وزن ژئوپلیتیک ایران در منطقه با عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای

با توجه به مطالب پیش‌گفته، دلایل تأثیر عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای بر مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه افزایش وزن ژئوپلیتیک ایران در منطقه عبارت‌اند از:

- کاهش حجم تهدیدها و ارتقای سطح مشارکت و همکاری‌های منطقه‌ای در

زمینه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی همراه با مطلوبیت بین‌المللی در جهت منافع ملی و افزایش قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران؛

• طرح این عضویت دائم به‌عنوان سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی از سوی ایران نسبت به کشورهای همسایه شمالی (آسیای مرکزی)؛

• پیگیری سیاست‌های دفاعی با ابزارهای قابل قبول و بین‌المللی، با توجه به تهدید ایران از سوی ایالات متحده و اینکه عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای یک اتحاد نظامی محسوب نمی‌شود؛

• افزایش قدرت چانه‌زنی ایران برای مقابله با غرب و چالش منطقه‌ای؛

• تقابل با تلاش ایالات متحده برای منزوی کردن ایران؛

• هم‌سویی با سازمان در حوزه‌های مبارزه با تروریسم، قاچاق و تولید مواد مخدر و تجزیه‌طلبی و در نتیجه کاهش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی مترتب بر آن؛

• گسترش اعتماد و حسن نیت و همکاری و ارائه چهره‌ای دو ستانه و مثبت

از جمهوری اسلامی ایران نزد دولت‌های آسیای مرکزی؛

• تقویت پیوندهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی میان جمهوری

اسلامی ایران و اعضای سازمان؛

• حفظ و گسترش بازار تجاری بزرگ و پیوسته برای نفت و صادرات

غیرنفتی؛

• بهره‌گیری از توان و قدرت اقتصادی و ظرفیت‌های چین؛

• ایجاد رویه‌ای برای مبادله آزاد کالا و دستیابی به توافقاتی در زمینه اعطای

امتیازات و معافیت‌های مربوط به تعرفه‌های گمرکی؛

• دسترسی به یک بازار گسترده‌تر و بهره‌مندی از منافع اقتصادی آن.

بنابراین می‌توان اظهار داشت ایران کشوری است که فی‌نفسه و به‌طور بالقوه از عوامل ژئوپلیتیکی مناسبی برخوردار است و همین عوامل با تأثیر بر مؤلفه‌های قدرت ایران، باعث ایجاد وزن ژئوپلیتیکی مناسبی برایش می‌شوند. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی‌ای چون موقعیت مناسب (قرار گرفتن در چهار راه ارتباطی شرق-غرب و شمال-جنوب، هم‌جواری با خلیج فارس و تنگه هرمز)، داشتن منابع غنی انرژی،

وسعت فراوان، شکل مطلوب و جمعیت بالا (به لحاظ کمی و کیفی) از عواملی هستند که می‌توانند مؤلفه‌های قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی مناسبی را برای ایران رقم بزنند؛ اما بدیهی است که بالفعل کردن و بهره‌مندی از این ویژگی‌ها و افزودن بر وزن ژئوپلیتیکی ایران در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای و بالطبع ارتقای جایگاه و منزلت ایران در این عرصه‌ها، در تعامل با افزایش مؤلفه‌های قدرت سیاسی، اقتصادی و امنیتی، موضوع مهمی است که باید به آن توجه شود. به همین دلیل و بر مبنای مطالب بالا، طبیعی است عضویت دائم ایران در این سازمان، افزایش قدرت ایران در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی و ارتقای نقش و جایگاه ایران در عرصه بین‌الملل و (به‌ویژه) منطقه‌ای را به همراه داشته باشد و با توجه به ویژگی‌های آسیای مرکزی و محوریت این منطقه در سازمان، بیشترین تأثیر در این خصوص را می‌توان در منطقه آسیای مرکزی مشاهده کرد. گفتنی است که جدای از تحقق این امر به شکل مستقیم، افزایش تعاملات و همسویی‌ها با قدرت‌هایی چون چین و روسیه، با توجه به اینکه چین و روسیه بازیگران اصلی سازمان و منطقه (آسیای مرکزی) هستند، به‌طور غیرمستقیم بر توان بازیگری و ایفای نقش ایران در مناطق ذیل این سازمان به‌ویژه منطقه آسیای مرکزی مؤثر است و آن را بهبود می‌بخشد.

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح‌شده می‌توان دریافت که ایران و سازمان همکاری شانگهای فرصت‌های مهمی برای یکدیگر دارند. ایران باید از تنهایی راهبردی خود در معادلات جهانی و منطقه‌ای خارج شود و در نبود امکانی برای ایجاد و محوریت یک نهاد مؤثر خودی و عضویت برابر در یک اتحاد راهبردی، همچون این سازمان راه میان‌های را به روی او گشوده است. جمهوری اسلامی به‌ویژه در تحولات سال‌های اخیر با مصوبات و بیانیه‌های سازمان‌هایی مانند شورای همکاری خلیج‌فارس، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی این تنهایی را مشاهده کرده است. عضویت دائم در این سازمان با هیچ‌یک از اصول حقوقی و سیاسی کشور در تعارض نیست؛ بلکه تجربه سال‌های اخیر و به‌ویژه فشارهای عربستان و ترکیه

در سه نهاد شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی نشان می‌دهد که ابزارهای نهادی چگونه می‌توانند در دیپلماسی چندجانبه نقش مؤثری داشته باشد. عضویت دائم در این سازمان، ضمن افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران، وزن ژئوپلیتیکی آن را هم - به ویژه در منطقه آسیای مرکزی با توجه به محوریت این منطقه در سازمان - افزایش می‌دهد و ارتقای منزلت، جایگاه و توان بازیگری ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی را به دنبال می‌آورد. البته برای سازمان هم نقش ثبات‌آفرین و دولت‌ساز ایران و تجربیات مهم آن در کمک به صلح، ثبات و امنیت منطقه و مبارزه با تروریسم در دهه‌های اخیر فرصت مهمی است که در گستره‌ای از خاورمیانه تا جنوب آسیا و آسیای مرکزی قابلیت‌های این نهاد را افزایش خواهد داد. مجموعه ظرفیت‌های جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های این سازمان در همکاری و همگرایی منطقه‌ای می‌افزاید و محور تعاملات و همکاری‌های تجاری و فرهنگی آسیایی را که از دو قرن پیش متروک شده است، بیشتر و بیشتر احیا خواهد کرد. گفتنی است که این سازمان یک اتحادیه امنیتی و نظامی نیست و نمی‌توان آن را یک نهاد هم‌گرایی منطقه‌ای مؤثر دانست؛ اما چنانچه روند کنونی تداوم یابد، می‌تواند نقش گسترده‌ای در همگرایی منطقه‌ای و تحقق ابتکار امنیت آسیایی ایفا کند و برای جمهوری اسلامی ایران هم یک فرصت راهبردی تلقی شود.

منابع

- آدمی، علی و عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۲). سازمان همکاری شانگهای و تهدیدات امنیتی مشترک در آسیای مرکزی. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۱، صص ۲۱۷-۲۳۵.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. چاپ پنجم. مشهد: نشرپاپلی.
- رحمانی موحد، مرتضی و انوری، حمیدرضا (۱۳۸۷). *سازمان همکاری شانگهای: چشم‌اندازی به سوی جهان چندقطبی*. تهران: وزارت امور خارجه.
- رضایی، علیرضا (۱۳۸۹). الگوی اتحادیه اروپا از نظم در نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد: نظم نهاد محور. *سیاست خارجی*، دوره چهارم، شماره ۲۴، صص ۹۵۹-۹۷۶.
- صالحی، عباس و رضایی، علیرضا (۱۳۸۹). سازمان همکاری شانگهای و عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات سیاسی*، دوره سوم، شماره ۹، صص ۵۱-۷۶.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی رویکرد راهبردی چین، روسیه، آمریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان همکاری شانگهای. *فصلنامه راهبرد*، شماره ۶۰، صص ۱۶۹-۱۹۱.
- عصر ایران (۱۳۹۵). مخالفت چین و تاجیکستان، دلیل عدم پذیرش عضویت ایران در شانگهای. *خبرگزاری عصر ایران*، ۸ تیر ۱۳۹۵. قابل بازیابی در: asriran.com/00205q
- فرانکل، جوزف (۱۳۸۲). *روابط بین‌الملل در جهان متغیر*. ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کریمی، جهانگیر و کرامتی‌نیا، رقیه (۱۳۹۵). سیاست خارجی روسیه و پرونده هسته‌ای ایران: از تحریم تا برجام. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره بیست و دوم، شماره ۹۵، صص ۶۵-۹۷.
- مرادی، فتح‌اله (۱۳۸۷). سازمان همکاری شانگهای: قدرتی توازن‌بخش. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۲، صص ۱۲۹-۱۵۴.
- واعظی، محمود (۱۳۸۹). اهداف و منافع چین و روسیه در سازمان همکاری شانگهای. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۲، صص ۴-۳۱.

- Alimov, Rashid (2018). The Shanghai Cooperation Organization: Its role and place in the development of Eurasia. *Journal of Eurasian Studies*, Vol. 2, July 2018, Pp. 114-124.
- China expands its global power With the New Silk Road initiative and the creation of new international institutions, China is expanding its political and economic influence in the world at the expense of the US and Japan. No.03 2015, *dragon news*
- Kaczmarek, M (2019). Russia-China Relations in Central Asia: Why Is There a Surprising Absence of Rivalry?. *University of Glasgow*, <http://www.theasanforum.org/russia-china-relations-in-central-asia-why-is-there-a-surprising-absence-of-rivalry>.
- TehranTime (2020). Russia reiterates support for Iran's full membership in SCO. <https://www.tehrantimes.com/news/452027/Russia-reiterates-support-for-Iran-s-full-membership-in-SCO>, September 4, 2020.
- Russian Strategic Intentions A Strategic Multilayer Assessment (SMA) (May 2019). *White Paper*.
- Schwartz, P (2017). Russia-China Defense Cooperation: New Developments. Center for Strategic and International Studies, Special Forum
- Siddiqui, S (2019). Why Iran Won't Be Joining the Shanghai Cooperation Organization Anytime Soon. <https://theglobepost.com/2019/06/27/iran-china-sco>.
- Swanstrom, N (2014). Sino-Russian relations at the start of the new millennium in Central Asia and beyond. *Journal of Contemporary China*, 23 (87), Pp. 480-497.